

تجربیت شود پس کدام را بکمال معتد به شوند رسانید که کس  
 هر صناعی را وقتی و توجیه لایق نماید و چون وقت و توجیه بر هر مریض  
 شود هر در مرتبه تصور نماید چنانچه گفته اند من طلب الکحل فایه الکحل و اگر  
 کس چند صناعت داند او را با نوره اتم است یا اشرف بلکه با نوحه  
 او را در آن بصیرت پیش بایستد مشغول داشته و از دیگر صنایع  
 منع نمودن اولی است تا یک کار را با اتفاق و توفیق بجای رساند  
 چه هر آینه در نظام مصالح اداخل باشد و غیر این طوائف از ارکان  
 مدینه فاضله خارج اند و از ایشان بعضی منزله آلات و ادوات این  
 طوائف و اگر قابل فضیلت باشند شاید که تربیت فضلا کجالی  
 برسند و الا ایشان را با عمالی که سبب مصالح تمدنت برآیند  
 باید داشت و بعضی نیز که یا بن باشند که در مزارع و سبایا این  
 پیدا کنند و از نخبه ایشان از انوات خوانند و ایشان پنج صنف  
 باشند یکی مرانیان که با فعال فضلا و شعرا ایشان مخرج میشوند  
 و بلناس مزرگان مثلثی که در حد تابان تلبیس اجراض فاسده  
 و غیره اجراض کاسره و نیور تو سئل جویند دوم مخرجان که موافق

بودن

بر ذایل بر ایشان غالب باشد و بنا برین قواعد ملت را بحیث و تامل  
 خوانند که موافق مذهبهای طبع خود سازند سیوم باغبان  
 که احکام پادشاه عادل را که بر رقاب قاطبه انام اطاعت  
 و انقیاد او واجبست کردن ننهند و میل پادشاه دیگر کنند  
 و بر هر کس دفع اینظایفه شرعاً عقلاً واجبست چهارم بارق  
 که بسبب تصور نفهم بر اجراض قواعد ملت و مطالب حکمت و اذیت  
 نشوند و از بر معالی دیگر حمل کنند و از جاده استقامت منحرف  
 باشند و اگر این انحراف راسخ نباشد و از بنی و عناد خالی  
 باشند امید بر شاد ایشان توان داشت خیم مغالطه  
 که بحقایق نرسیده باشند و از جهت طلب مال و جاه بدعاوی کاذبه  
 اقدام نمایند و با غالیطه توهم در بازار و قاحت دکان خود فروشی  
 نهند و خود را در صورت انانیان معوام نمایند و حال که خود بخیر  
 باشند انیت انجرا از اصناف نوابت مشهور است **لوحدهام**  
 در سیاست ملک و اداب ملوک او لا برسپیل تمید نموده میشود که  
 مبرز سلطنت از جلال نعم الهی است که از نظر ان الطوائف نامشای